

**نویسندگان:** گروه از آی آی اس اس (IISS).

منبع و تاریخ نشر: «20-08-2021» Facts. Analysis. Influence.

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

## انطباق با واقعیت جدید در افغانستان

### Adapting to a new reality in Afghanistan

واکنش کشورهای منطقه به پیروزی طالبان در افغانستان چگونه خواهد بود؟ تیم تحقیقاتی IISS بینش‌های خود را در مورد اینکه چگونه دولت‌ها پس از یک هفته پرفراز و نشیب برای منطقه، به دقت روابط را مجدداً تنظیم خواهند کرد، ارائه میکنند



## چین: تغییر نامطلوب در تمرکز نظامی ایالات متحده

**چین** احتمالاً بیش از آنچه که علناً اعلام کرده است نگران خروج ایالات متحده از افغانستان است. این کشور با احتیاط ناظر و با امیدوار است که حکومت طالبان اجرات برای تأمین امنیت و فراهم‌آوری منافع سیاسی و اقتصادی **چین** انجام خواهد داد.

**پکن** طی سال‌ها ارتباط خود را با طالبان حفظ کرده است – هرچند هنوز روابط خود را رسمی نکرده است. از زمان اعلام خروج برنامه ریزی شده ایالات متحده از افغانستان، **پکن** در ملاقات با هیئت‌های طالبان در زمینه مسائل امنیتی و همچنین کمک به بازسازی اقتصادی این کشور به دنبال اطمینان است. علیرغم پتانسیل سودهای اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری یا استخراج معدن ابتکار کمربند و جاده (BRI)، خطر امنیتی در داخل کشور ممکن است مانند گذشته یک مانع باشد.

رهبری **چین** کاملاً بر این خطر متمرکز خواهد بود که تحولات اخیر بر امنیت منطقه تأثیر بگذارد. **پکن** همچنان به دنبال تضمین‌هایی از طالبان است که افغانستان به پناهگاه امنی برای سازمان‌های تروریستی مانند جنبش اسلامی ترکمنستان شرقی تبدیل نخواهد شد. ترس شدید برای **چین** این است که افغانستان می‌تواند به عنوان سکوی پرتاب برای حملات به ولایت سین کیانگ در غرب این کشور استفاده شود. اینکه چگونه رفتار **چین** با اویغورها در سین کیانگ باعث ایجاد رابطه طالبان با **پکن** می‌شود نیز نکته قابل مشاهده است.

بعید است که **پکن** برای پر کردن کسری امنیتی یا حفظ منافع خود با PLA «ارتش آزادیبخش خلق چین» وارد عمل شود. حملات قبلی به پروژه های BRI یا پرسنل **چینی** در خارج از کشور هنوز منجر به چکمه های «نیروهای پیاده نظام» **چینی** روی زمین نشده است. تجربه نظامیان غربی در افغانستان یک داستان هشداردهنده قوی از خطرات درگیر شدن در درگیری های طولانی مدت ارائه می دهد. اما مهمتر از آن، اولویت نظامی **پکن** در شرق آن نهفته است. بنابراین، تحولات اخیر در افغانستان نگرانی بسیار بزرگتری را برای **چین** نشان میدهد - تغییر تمرکز نظامی و اشنگتن از خاورمیانه به هند و اقیانوس آرام و به خود **چین**.

**میا نوونز**

عضو ارشد سیاست دفاعی و نوسازی نظامی **چین**

\*\*\*\*

## **هند: به دنبال جبران از دست دادن نفوذ عمده خود است:**

پیروزی طالبان نشان دهنده از دست دادن نفوذ بزرگ برای هند است. این کشور یکی از شرکای اصلی توسعه در افغانستان بوده است، اما قبلاً به شکل قابل توجهی با طالبان تعامل نداشته است. در همین حال، **پاکستان** تلاشی مصمم را برای پایان دادن به حضور **هند** در افغانستان با کمک متحدان قدیمی طالبان و شبکه **حقانی** رهبری کرده است. چشم انداز گسترش نفوذ **چین** می تواند باعث کاهش بیشتر نفوذ **هند** در افغانستان و منطقه شود.

**هند** سفارت خود را بسته و کارکنان دیپلماتیک خود را تخلیه کرده است، اما چند صد غیرنظامی از جمله هندوها و سیک های افغانستان هنوز تخلیه نشده اند. **هند** نگرانی جدی دارد که افغانستان می تواند به عنوان پایگاهی برای حملات تروریستی علیه منافع اش استفاده شود. گروه های تروریستی ضد **هند**، از جمله **لشکر طیبه** و **جیش محمد** تحت حمایت اطلاعات پاکستان، در افغانستان حضور دارند و گزارش شده است که در عملیات نظامی طالبان فعال بودند. با این حال، دولت **مودی** به احتمال زیاد قبل از اتخاذ تصمیمات سخت سیاسی در مورد اهداف و شیوه های دولت جدید تحت سلطه طالبان به دنبال وضوح است.

**هند** به عنوان یک همسایه نزدیک، "سیاست خروج" از افغانستان ندارد. دهه ها سرمایه گذاری در زیرساخت ها و ظرفیت سازی و قدرت نرم ناشی از آن، که در افغانستان کرده است به راحتی از بین نمی رود. حمایت **هند** از مردم افغانستان و تلاش ها برای ایجاد ثبات در افغانستان از طریق اجماع منطقه ای ادامه خواهد یافت. چشم انداز نقش تجدید نظر شده **هند** بر حمایت اقتصادی از افغانستان محتمل است، اما بر این اساس که اتباع آن آسیب نبینند و الزامات امنیتی آن برآورده شود. اگرچه **هند** به رسمیت شناختن زودهنگام دیپلماتیک رژیم طالبان را ارائه نخواهد کرد، اما آخرین کشوری نیز نخواهد بود که این کار را انجام ندهد.

## ایران: همین اکنون در همسویی استراتژیک با طالبان :

ایران و طالبان در سال 2001 دشمن یکدیگر بودند: ایران از دشمن طالبان، یعنی از ائتلاف شمال، حمایت کرد. طالبان دیپلمات‌های ایران را در مزار شریف به قتل رساندند. و ایران در سرنگونی طالبان کمک کرد. اکنون طالبان برگشته‌اند و این خبر بهتر از زمانی است که ممکن است برای تهران باشد. در دهه گذشته، رژیم ایران به طور پیوسته و مخفیانه به سمت استراتژیک با طالبان حرکت کرده است. آنها ممکن است اعتقادات مشترکی نداشته باشند، اما در حال حاضر منافع استراتژیک مشترک دارند. حداقل، هیچ یک از طرفین در حال حاضر منفعتی در بیگانه کردن طرف مقابل ندارند. **اولاً**، آنها در ردپر شور نفوذ ایالات متحده در منطقه شریک هستند. ایران هدف استراتژیک خود را بیرون راندن ایالات متحده از عراق در مرزهای غربی خود قرار داده است، طالبان دقیقاً این کار را در افغانستان در مرز شرقی خود انجام داده است. علاوه بر این هدف مشترک، تحسین متقابل و احتمالاً تقلید وجود خواهد داشت. طالبان به دنبال نمونه‌ای هستند که چگونه، این بار، اطمینان حاصل کنند که امارت اسلامی بقای خود را تضمین می‌کند: ایران، با وجود همه چیز هنوز اینجاست، منبع الهام خوبی خواهد بود.

**ثانیاً**، ایران و طالبان هر دو به عمق استراتژیک نیاز دارند. ایران به یک متحد در هرات و غرب افغانستان نیاز دارد، در حالی که طالبان به عمق استراتژیک از همه طرف‌ها برای جبران آنچه که می‌داند در بهترین حالت حمایت محدود در جامعه بین‌المللی خواهد بود، نیاز دارد. در حال حاضر پاکستان را دارد. ایران آن را به خوبی متعادل کرده و به شام عرب دسترسی می‌یابد.

همسویی دو کشور از مشکلات دوجانبه مانند اشتراک آب، مواد مخدر یا پناهندگان در امان نیست. آنها همچنین باید بفهمند که با القاعده، که ایران به آن پناه داده است، چه کنند، هر چند که به راحتی، هر دو طرف خواهان خلاص شدن از شرق استان خراسان داعش هستند. اختلافات فرقه‌ای، در حالی که زیر یک مشارکت استراتژیک دفن شده‌اند، یک کاسه پودر بالقوه هستند، به ویژه در مورد جامعه هزاره که سپاه پاسداران - سپاه قدس ایران لشکر "فاطمیون" خود را از آنها استخدام کرده است. تهران ممکن است به این نتیجه برسد که این مسائل در یک رابطه کاری با طالبان به جای دشمنی بهتر قابل رسیدگی است. انتظار داشته باشید که همکاری بیشتر عملی باشد تا رویایی. ایران اکنون همسایه‌ای دارد که آمریکا را تحقیر کرده و می‌تواند با آن کار کند. برای ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور تندرو جدید، این نتیجه به نظر می‌رسد.

جان رین

مشاور ارشد برای بررسی دقیق ژئوپلیتیک

## پاکستان: برخی ملاحظات با وجود سود آشکار

پاکستان از سقوط رژیم تحت حمایت ایالات متحده در کابل ابراز تاسف نکرده است. روابط دوجانبه در بهترین حالت، زمانی که نخست وزیر عمران خان، تسلط طالبان را به عنوان لحظه ای توصیف می کرد که افغان ها «بند برده داری را شکسته اند» تیره شده بود اما واکنش اسلام آباد، در حالی که کمترین بد بینا نه ترین نسبت به همسایگان افغانستان است، با نگرانی ها در مورد اینکه حکومت طالبان چه معنایی برای امنیت داخلی پاکستان خواهد داشت، کاهش می یابد.

پاکستان می خواهد نفوذ قابل توجهی را به نسبت رقیب اصلی خود، هند، در افغانستان تحت رهبری طالبان به دست آورد. اما بعید است که نفوذ آن بی حد و حصر باشد، زیرا طالبان اکنون که در قدرت اند به خوبی می توانند شرکای بین المللی خود را متمایز کنند. بعید است اسلام آباد به رقابت از سوی دیگر قدرت ها در آنجا فکر کند، مگر اینکه به نحوی منجر به تقویت موقعیت هند شود. بنا بر این، بعید است که درخواست پاکستان برای "حل و فصل سیاسی فراگیر" محدودیتی برای فعالیت های طالبان ایجاد کند. به طور گسترده انتظار می رود که پاکستان به رسمیت شناختن رسمی دولت بعدی تحت سلطه طالبان در کابل را ارائه دهد، همانطور که در سال ۱۹۹۶ این کار را انجام داد. با این حال، به احتمال زیاد این به رسمیت شناختن را با هماهنگی با سایر کشورها، از جمله احتمالاً ترکیه، برای جلوگیری از برجسته شدن یا سقوط اعطا خواهد کرد. با غرب اما پاکستان نگرانی های امنیتی دارد در ازای به رسمیت شناختن رسمی رژیم جدید، به تضمین هایی از سوی طالبان نیاز دارد. اینها بر نیاز به محدود کردن جریان پناهجویان از طریق خط دیورند، مرز دواکتو به طول 2600 کیلومتر، که پاکستان تقریباً به طور کامل با حصارکشی تقویت کرده است، متمرکز شده است. در صورت محدود شدن حرکات طالبان ضد دولتی پاکستان و حفظ دستاوردهای داخلی پاکستان در مبارزه با تروریسم، اطمینان از حرمت مرزها حیاتی خواهد بود. همچنین به جلوگیری از تنش های تازه با چین کمک می کند که بیش از 25.4 میلیارد دلار سرمایه گذاری در طرح کمربند و جاده در پاکستان تحت لوای کریدور اقتصادی چین-پاکستان دارد.

**نتوان لووسک**

پژوهشگر برای جنوب آسیا

\*\*\*

## قطر: به دنبال حفظ و تقویه ارتباط با طالبان است:

قطر کشور خلیج فارس است که بهترین روابط را با جنبش طالبان حفظ کرده است و به نظر می رسد که بهترین موقعیت را برای بهره مندی از تغییر قدرت در کابل داشته باشد. طالبان در سال 2013 دفتری را در **دوحه** افتتاح کردند که به مرکز دیپلماتیک آن

تبدیل شد. مقامات ارشد طالبان در این کشور زندگی می کردند که مهمترین یاسرشناس ترین آنها ملا برادر، یکی از بنیانگذاران و معاون رهبر طالبان بود که مذاکرات با ایالات متحده و بعداً با دولت افغانستان را رهبری می کرد.

زمانی که دولت ترامپ به دنبال خروج از افغانستان از طریق انعقاد توافقی با طالبان بود، یک عامل توانمند در قطر پیدا کرد. از سال 2018، قطر تسهیل کننده اصلی مذاکرات ایالات متحده و طالبان بوده است که در سال 2020 با توافقی که یک جدول زمانی دقیق برای خروج ایالات متحده تعیین کرد، به اوج خود رسید. مذاکره کنندگان قطری از نزدیک در زمینه تقویت طالبان مشارکت داشته اند. این نقش باعث ایجاد حسن نیت ایالات متحده برای قطر در زمانی شد که این کشور موضوع تحریم وحشیانه عربستان و امارات بود.

مشخص نیست که قطر به طالبان چه قولی داده است تا این کشور را وادار به ورود به مذاکرات سیاسی کند. گفتنی است، دوحه تلاش کرده است تا اهمیت به رسمیت شناختن بین المللی را از طریق دیپلماسی بر طالبان تأثیر بگذارد. اما سرعت برق آسا که طالبان بر افغانستان مسلط شده است، دست قطر را به شدت ضعیف کرده است. در این مرحله، طالبان خیلی کمتر به دوستی و میانجیگری قطر نیاز دارند: ایالات متحده بیرون است و دولت افغانستان دیگر وجود ندارد، بنابراین نیازی به مذاکرات بیشتر نیست. قدرت های بزرگ برای شناخت واقعیت سیاسی جدید در کابل عجله دارند. نفوذ قطر بر طالبان احتمالاً به اوج خود رسیده است.

. با این حال، قدرت مالی دوحه و روابط قوی با ترکیه، ایران و پاکستان تضمین کننده ارتباط سیاسی و نقش اش در آینده اقتصاد افغانستان است. با توجه به شناختی که از رهبری طالبان دارد، بسیاری انتظار دارند دوحه سرمایه سی خود را برای تعدیل گروه بنیادگرا و تامین امنیت سازمان ملل متحد و دسترسی بشردوستانه هزینه کند.

امیل هوکایم

عضو ارشد امنیت خاورمیانه

\*\*\*

## روسیه: فرصتی برای بهره برداری از عزم ضعیف غرب

خلق و خوی عمومی رسمی روسیه نوعی آرامش است. توانایی سفارت اش در کابل - تحت حفاظت آشکار و مستقیم طالبان - برای کار تا حد زیادی بدون مانع، نقطه مقابل تخلیه ماموریت های غربی است. اگرچه طالبان همچنان یک سازمان ممنوعه در روسیه است، اما به نظر می رسد که گرمین آماده تعامل با آن است و اعتراضات معمول خود را در مورد سرنگونی یک دولت به رسمیت شناخته شده صادر نکرده است. شکست آمریکا و متحدانش که منبع رضایت درونی روسیه است، کاربردهای داخلی بیشتری در آستانه انتخابات دوما در ماه آینده دارد.

اما تاریخ اخیر به مسکو بیش از بسیاری از دلایل نگرانی می دهد. در دهه 1990، افراط گرایی اسلامی از افغانستان به دنبال تضعیف نه تنها آسیای مرکزی، بلکه بخود روسیه نیز بود. تا حدودی به همین دلیل، رئیس جمهور ولادیمیر پوتین از مداخله ایالات متحده در افغانستان در سال 2001 استقبال کرد. برای مدتی، روسیه و ایالات متحده تعهد مشترکی به مبارزه با تروریسم بین المللی داشتند. حتی قبل از تصرف کابل توسط طالبان، مسکو شروع به پیش بینی ظهور خطرات آشنا از آخرین دوره حکومت خود کرده بود، به ویژه با انجام تمرین های نظامی با ازبکستان و تاجیکستان که هم مرز با افغانستان هستند. نیکولای پاتروشف، دبیر شورای امنیت، از آن پس تهدید جریان بی ثبات کننده مواد مخدر و شبه نظامیان را برجسته کرده است.

روسیه نیز مانند سایرین به دقت در حال مشاهده چگونگی تحول نیت طالبان است. اگر افغانستان دوباره افراط گرایی را فراتر از مرزهای خود گسترش دهد، روسیه ممکن است به دنبال همکاری محدود با غرب در یک رابطه با مجموع صفر باشد. اما ممکن است به دنبال سوء استفاده از این تصور باشد که عزم غرب تضعیف شده است. پاتروشف قبلاً شباهتی بین خروج ایالات متحده و روابط آن با اوکراین ترسیم کرده است. نتیجه این است که روسیه ممکن است فشار خود را در آنجا و جاهای دیگر افزایش دهد.

## نایجل گولد دیویس

ویراستار، نظرسنجی استراتژیک؛ عضو ارشد روسیه و اوراسیا

\*\*\*

## عربستان: چشم به هر مزیت جدیدی برای ایران دارد

تسخیر و تسلط بر افغانستان توسط طالبان در ریاض با این احساس مواجه می شود که معنای آن چیست و در عین حال دوسوگرایانه «دمدمی مزاج» و هراس انگیز است. پادشاهی سعودی یکی از تنها سه کشوری بود که حکومت طالبان را قبل از سال 2001 به رسمیت شناخت. اگرچه ریشه در نزدیکی ایدئولوژیک و علیرغم تأمین مالی قابل توجهی از سوی عربستان سعودی به این گروه بنیادگرا داشت، اما این رابطه هرگز مناسب نبود و نفوذ عربستان همیشه محدود بود.

اما عربستان سعودی سال 2021 با سال 2001 عربستان تفاوت زیادی دارد. حمایت از حکومت طالبان یک پیشنهاد وسوسه انگیز نیست. رهبری کنونی تمایل کمتری به پذیرش اهداف دور از همبستگی اسلامی دارد و بیشتر بر ایجاد تصویری مدرن و محدود کردن نفوذ مذهبی در داخل تمرکز دارد.

عربستان سعودی امروز حتی کمتر از قبل بر طالبان نفوذ دارد. قطر، که به عنوان رقیبی آزار دهنده شناخته می شود، روابط بهتری با طالبان حفظ کرده است. مانند گذشته، ریاض احتمالاً برای شکل دادن به روابط منطقه ای طالبان به اسلام آباد تکیه خواهد کرد. ماهیت روابط ایران و طالبان مورد نگرانی ریاض خواهد بود. از نظر عربستان،



ویژگی رستگاری **طالبان** این بود که **ایران** را مجبور کرد نگران جناح شرقی خود باشد. تهران پس از رسیدن به هدف خود برای برکناری آمریکا به شیوه ای تحقیرآمیز، اکنون علاقه مند است تا به یک توافق عمل‌گرایانه و نآرام با **طالبان** دست یابد. ریاض همچنین نگران این است که آیا موفقیت **طالبان** باعث احیای ثروت القاعده و سایر گروه‌های جهاد می‌شود یا خیر. شبه‌نظامیان القاعده در حال حاضر شکست تاریخی ایالات متحده و متحدانش را جشن می‌گیرند، به این امید که پس از سال‌ها انحطاط، حرکت والهام بخشی برای اهداف آنها ایجاد کند. **طالبان** باید تصمیم بگیرند که آیا به القاعده اجازه می‌دهند تا فعالیت‌های ضد سعودی را از خاک افغانستان انجام دهد یا خیر.

**امیل هوکایم**

عضو ارشد امنیت خاورمیانه

\*\*\*

## **ترکیه: یک اقدام متعادل کننده نامطمئن و خطرناک**

ترکیه در روابط خود با افغانستان تحت حاکمیت طالبان با آینده ای بسیار متزلزل روبرو است که با ریسک بالا و پاداش‌های ملموس کمی مشخص شده است. این کشور فرصتی را برای بازیابی بخشی از مشروعیت و قدرت نرم خود که در نتیجه اشتباهات سیاست خارجی خود در سالهای اخیر از دست داده است، می‌بیند. به عنوان تنها عضو اکثریت **مسلمان ناتو**، احتمالاً به دنبال ایجاد تعادل بین منافع و متحدان رقیب است.

آنکارا به دنبال تقویت اعتبار نزد **دولت پایدن** و دیگر شرکای غربی خواهد بود و از روابط نزدیک خود با قطر و پاکستان (که هر دو روابط نزدیک با فرماندهان ارشد طالبان دارند) استفاده خواهد کرد تا خود را به عنوان میانجی بین دنیای بیرون و دولت طالبان قرار دهد. اما در غیاب یک چارچوب قانونی مشخص و پوشش مأموریت **ناتو**، **ترکیه** با چشم‌اندازی نامطمئن و خطرناک در افغانستان مواجه است، مگر اینکه شرایط تعامل سیاسی و دیپلماتیک آن به وضوح مشخص شود. فشار بیشتر از سوی روسیه، ایران و تا حدی القاعده که همگی نقش مهمی در افغانستان دارند، بر ماهیت متزلزل موقعیت ترکیه خواهد افزود.

علاوه بر این، **ترکیه** با یک بحران جدید پناهندگان روبروست: حتی در هفته‌های قبل از سقوط **کابل**، تخمین زده می‌شد که روزانه بین 500 تا 2000 افغان به خاک این کشور وارد شوند. آنکارا فاقد سیاست حل و فصل همه‌جانبه است و در تلاش است تا مهاجرت غیرقانونی به این کشور را محدود کند. این کشور نمی‌تواند به طور نامحدود با افزایش جدید جمعیت پناهندگان خود کنار بیاورد و افزایش جریان پناهنجویان مرتبط با درگیری را یک بحران جهانی می‌داند که به کشورهای همسایه واگذار می‌شود.

## بورچو اوزچلیک

همکار؛ پژو هسگر، گروه سیاست و مطالعات بین الملل، دانشگاه کمبریج

\*\*\*

## امارات متحده عربی: پوشش شرط های خود

امارات متحده عربی که در دهه گذشته رهبری یک حمله علیه گروه های اسلام گرای فراملیتی را بر عهده داشت، ممکن است در ابتدا یکی از بازیگرانی باشد که احتمالاً از پیروزی سریع طالبان در افغانستان ابراز تاسف می کند. امارات متحده عربی که متحد سرسخت ایالات متحده و شریک قابل اعتماد در مبارزه با تروریسم است، در یک مرحله تنها کشور عربی بود که نیروهای ویژه را در کنار کلاه سبزه های آمریکایی که با طالبان می جنگند، اعزام کرد.

با این حال، ابوظبی و طالبان غریبه نیستند. در طول دهه 1990، امارات متحده عربی یکی از سه کشوری بود که امارت اسلامی افغانستان را تحت حاکمیت طالبان به رسمیت شناخت. در سال 2018، ابوظبی میزبان دور مذاکرات صلح ایالات متحده و طالبان بود که نشان می داد اعتماد این گروه را حفظ کرده است. ابوظبی شاخه پاکستانی این گروه - تحریک طالبان پاکستان - را ممنوع اعلام کرده و اعضای گروه طالبان را تحریم کرده است، اما از معرفی رسمی طالبان افغانستان به عنوان یک نهاد تروریستی خودداری کرده است. از زمان تسلط طالبان بر کابل، امارات متحده عربی از «تاکید این گروه بر عفو و مدارا» استقبال کرده است. و امارات یکی از معدود شرکت های حمل و نقل هوایی است که در حال حاضر از کابل پرواز می کند.

در حال حاضر امارات تحت فشار است. رقبای آن، ترکیه و ایران، در حال تهاجم با طالبان هستند. اما امارات از یک مزیت برخوردار است: روابط نزدیکتر خود با چین و روسیه، دو قدرت بزرگ که بیشترین علاقه را به افغانستان دارند. هر چقدر هم که امارات بخواهد در میان فاتحان نفوذ ایجاد کند، سیاست آن توسط ایالات متحده محدود خواهد شد. ابوظبی، بنابراین، شرط های خود را پوشش می دهد. این کشور به اشرف غنی رئیس جمهور برکنار شده افغانستان پناهندگی داده است و از بیان اینکه آیا قصد به رسمیت شناختن حکومت طالبان را دارد خودداری کرده است. برای امارات متحده عربی که حدود 15000 افغان در آن زندگی می کنند، وضوح ممکن است لوکسی باشد که هنوز نمی تواند از عهده آن برآید.

حسن الحسن

پژو هسگر سیاست خاور میانه

\*\*\*



## Authors



[Meia Nouwens @MeiaNouwens](#)

Senior Fellow for Chinese Defence Policy and Military Modernisation

[About Meia](#)



[Rahul Roy-Chaudhury](#)

Senior Fellow for South Asia

[About Rahul](#)



[John Raine](#)

Senior Adviser for Geopolitical Due Diligence

[About John](#)



[Antoine Levesques @ALevesques](#)

Research Fellow for South Asia

[About Antoine](#)



[Emile Hokayem @emile\\_hokayem](#)

Senior Fellow for Middle East Security

[About Emile](#)



[Nigel Gould-Davies @Nigelgd1](#)

Editor, Strategic Survey; Senior Fellow for Russia and Eurasia

[About Nigel](#)



[Burcu Ozcelik](#)

[Associate Fellow](#)

[About Burcu](#)



[Hasan Alhasan @HTAlhasan](#)

[About Hasan](#)

«24-12021» با تقديم سلامها -----